

بازی منافقانه رضاشاه در برابر تخریب بقاع ائمه در حجاز

۸ شوال ۱۳۴۴ ابن سعود، حاکم وهابی نجد، به مکه و مدینه حمله کرد و جواهرات و نفایسی را که بزرگان و سلاطین اسلام در طی قرون به ضریح مقدس نبوی هدیه کرده بودند، به غارت برد.

محمد مهدی اسلامی
نویسنده و پژوهشگر



دولت ایران و از تیرگی روابط با ایران متأسف هستند. نماینده رضاشاه پاسخ می‌دهد ایران برای کنار آمدن با ابن سعود از هیچ کاری خودداری نکرده است، ولی ابن سعود نسبت به تعهدات خود بی‌اعتنایی کرده‌اند. از جمله به حافظ وهبه مشاور کل و صدراعظم ابن سعود گفته است که دولت ایران خواسته بداند مجمع نمایندگان ملل اسلام کی خواهد شد تا نماینده بفرستند؛ حافظ وهبه جواب داده است بعد از ورود به جده با سلطان در این خصوص مذاکره کرده و اعلام می‌کند اما هیچ خبری از سلطان یا حافظ وهبه نرسید. فوزان السابق که از چهره‌های نزدیک به ملک عبدالعزیز و نماینده او در مصر بود، سعی به دلجویی کرد اما به فاصله کمی، حادثه تخریب بقیع رخ داد. با این حال، وقتی چهارم خرداد از فوزان السابق خواستند از رضاشاه به صورت محرمانه استفسار شود که اگر نماینده ابن سعود به تهران سفر کند، محذوریت و مانعی برای ملاقات با شاه و علما وجود دارد یا نه؟ در پایین این پیام، پاراف شده است که «به عرض رساندم، فرمودند مانعی نیست.»



ملاقات نماینده ابن سعود و سفیر ایران
پس از این تنش‌ها و یک هفته قبل از تخریب بقیع، در جریان مذاکرات ایران و حجاز که در مصر در جریان بود، فوزان السابق، نماینده ابن سعود، به دیدار سفیر ایران رفته و اظهار داشته که وهابی‌ها خواستار روابط حسنه با

پیگیر زیارت قبور هستند و اظهار داشتند خوب است حکومت در منبع زیارت قبور خود بیانی‌های صادر کند. در همین خبر آمده که مأمورین ابن سعود به مؤذن‌ها و واعظ و خطبای تعلیماتی درباره کیفیت جدید اذان گفتن و خطبه خواندن و غیره داده‌اند.

خدام حرم مکه را جمع نموده و آنها را وادار کرد که حجاج را از زیارت قبور مقدسه منع کنند، البته بدون اینکه حجاج ملتفت شوند که از طرف حکومت راجع به این مسأله اشاره شده است. «رؤسا و خدام از این دستور سر باز زدند چرا که حجاج همواره

آغاز تخریب قبور بقیع توسط وهابی‌ها

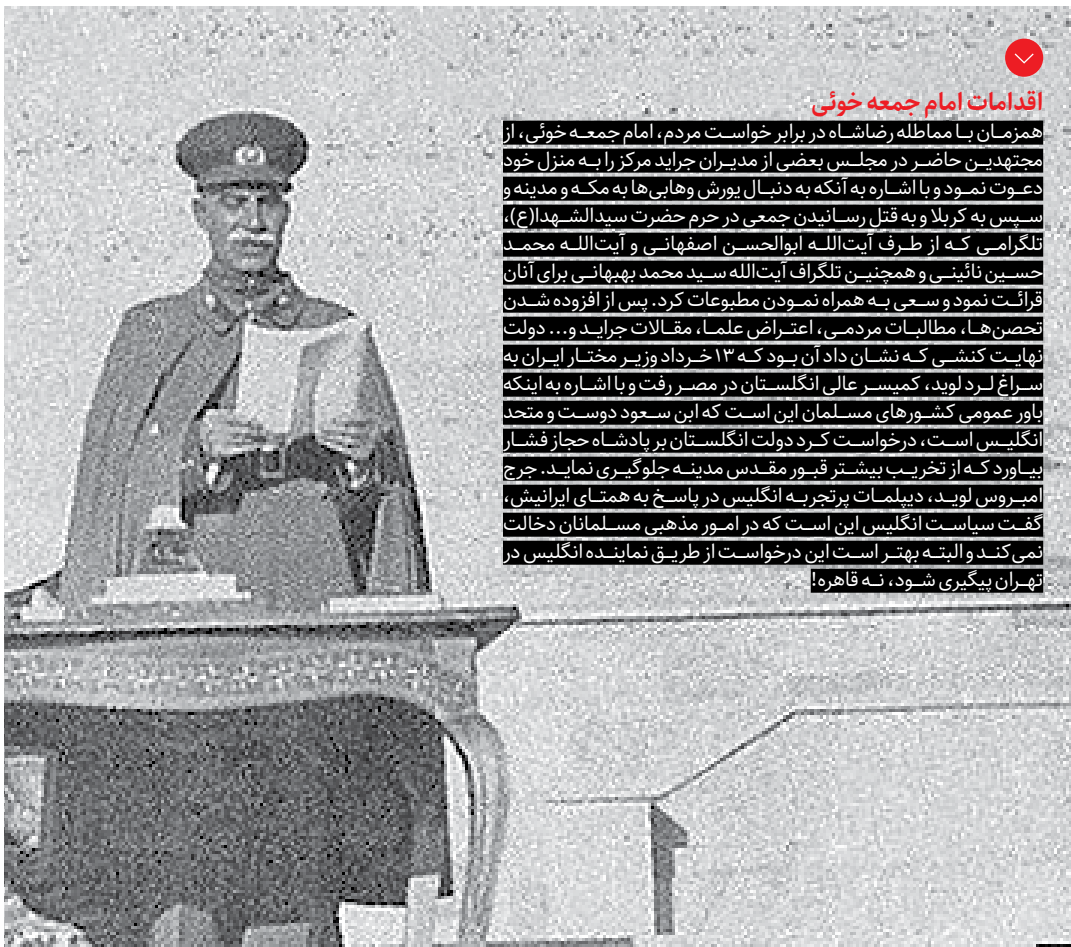
۳۱ فروردین ۱۳۰۰ عبدالعزیز ابن سعود، حاکم وهابی نجد که در ریاض مستقر و از حمایت انگلستان برخوردار بود پس از اشغال مکه، موفق شد مأمورین عثمانی مغلوب در جنگ جهانی را بیرون کند و مدینه را به تصرف درآورد. با اشغال مدینه، وهابی‌ها تخریب قبور بقیع را آغاز کردند و دیگر قبور نظیر قبر عبدالله پدر پیامبر (ص) نیز آسیب دید. خبر این واقعه با چند ده روز فاصله از طریق روحانیون نجف و نه از مجاری دیپلماتیک به ایران رسید، در آن روزگار رضاشاه، بشدت مشغول به مقدمات تاجگذاری بود؛ وی که پس از تصویب مجلس شورای ملی در روز ۹ آبان ماه ۱۳۰۴ انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام کرده بود و در روز ۲۱ آذر ماه پس از تغییرات در اصل‌های چهارگانه ۳۶ - ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی، پادشاهی ایران را به نام خود کرده بود؛ قصد داشت با تاجگذاری در ۴ اردیبهشت آخرین میخ را بر تخت پادشاهی‌اش بزند. لذا نه رضایت به ایجاد بحران با دولت پشتیبان خود- انگلستان- را داشت و نه می‌توانست به افکار عمومی بی‌تفاوت باشد.

وقتی چهارم خرداد از فوزان السابق خواستند از رضاشاه به صورت محرمانه استفسار شود که اگر نماینده ابن سعود به تهران سفر کند، محذوریت و مانعی برای ملاقات با شاه و علما وجود دارد یا نه؟ در پایین این پیام، پاراف شده است که «به عرض رساندم، فرمودند مانعی نیست»

بیانی‌های برای مصرف داخلی

بیش از دو ماه پس از تخریب بقیع، نهایتاً رئیس الوزرا در اعتراض به رفتار وهابیت بیانی‌های صادر کرد که اگرچه مخاطبش «اهالی مملکت و عموم مسلمین» بود، اما به نظر می‌رسد بیشتر مصرف داخلی داشت. وی گفت: «از طرف عبدالعزیز ابن سعود، رئیس آن طایفه، ابراز مواعیدی شده که این گونه فجایح و تجاوزات که بی‌احترامی صریح به عقاید و شعائر ملی عالم اسلام است، ارتکاب و تکرار نشود. ولی برخلاف انتظار و عملیاتی که اخیراً منافق با مواعید خود از آنها به ظهور رسید که قلوب اسلامیان را متأثر و متألم نمود و سبب گردید که دولت ایران دعوت ابن سعود را برای شرکت در مجامع عمومی حجاز قابل قبول ندانسته ورد نماید.»

با این حال و با وجود اینکه رضاشاه به عنوان تنها متولی یک حکومت شیعی حاضر به مواجهه جدی با حکومت در حال شکل‌گیری عربستان نشد؛ اما مطالبه عامه مسلمین بی‌تأثیر نبود و ۲۳ مهر نماینده ابن سعود در قاهره، از طرف ابن سعود تلگرافی به مطبوعات ارسال کرده و اطمینان داد قصد تخریب گنبد قبر پیغمبر (ص) در بین نیست: «گنبد سبز و قبر پیغمبر بحمدالله تعالی در امنیت و ما خودمان آنها را حفظ خواهیم کرد و تا وقتی که ما زنده ایم، هیچ صدمه و آسیبی به آنها نخواهد رسید. ما قبور تمام مقدسین را حفظ خواهیم کرد و آنها محترم خواهند بود.»



اقدامات امام جمعه خوئی

همزمان با ماطله رضاشاه در برابر خواست مردم، امام جمعه خوئی، از مجتهدین حاضر در مجلس بعضی از مدیران جراید مرکز را به منزل خود دعوت نمود و با اشاره به آنکه به دنبال یورش وهابی‌ها به مکه و مدینه و سپس به کربلا و به قتل رسانیدن جمعی در حرم حضرت سیدالشهدا (ع) تلگرامی که از طرف آیت‌الله ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله محمد حسین نائینی و همچنین تلگراف آیت‌الله سید محمد بهبهانی برای آنان قرائت نمود و سعی به همراه نمودن مطبوعات کرد. پس از افزوده شدن تحصن‌ها، مطالبات مردمی، اعتراض علما، مقالات جراید و... دولت نهایت کنشی که نشان داد آن بود که ۱۳ خرداد وزیر مختار ایران به سراغ لرد لوید، کمیسر عالی انگلستان در مصر رفت و با اشاره به اینکه باور عمومی کشورهای مسلمان این است که ابن سعود دوست و متحد انگلیس است، درخواست کرد دولت انگلستان بر پادشاه حجاز فشار بیاورد که از تخریب بیشتر قبور مقدس مدینه جلوگیری نماید. جرج امروس لوید، دیپلمات برتخریه انگلیس در پاسخ به همتای ایرانی‌ش، گفت سیاست انگلیس این است که در امور مذهبی مسلمانان دخالت نمی‌کند و البته بهتر است این درخواست از طریق نماینده انگلیس در تهران بیگیری شود، نه قاهره.

کمیسرین دفاع حرمین شریفین

سبیل تلگراف اعتراضی جاری شد؛ علمای نجف در نامه‌ای از علمای ایران استمداد طلبیدند. تجمعات مردمی شکل گرفت و فشار مردمی بر دولت ایران برای واکنش جدی زیاد شد. در این مقطع، مستوفی الممالک رئیس الوزرا مجبور شد از طرف هیأت دولت بیانی‌های علیه ابن سعود و وهابی‌ها صادر کند و رضاشاه هم تمام امور مرتبط با تعرض به بقاع متبرکه مکه و مدینه را به کمیسرین دوازده نفری تحت عنوان «کمیسرین دفاع حرمین شریفین» تفویض نمود.

این حادثه، چهار ماه پس از آن بود که ملک عبدالعزیز مشهور به ابن سعود ۲۸ آذر ۱۳۰۴ با پیروزی بر شریف مکه، حکومت حجاز را به دست گرفته بود. از همان زمان تیرگی روابط ایران و حجاز به دلیل رفتار ضد ایرانی این گروه و تنش‌های مکرر در مواجهه با حجاج اعزامی، آغاز شده بود. بخشی از این تنش ناشی از سیاست بی‌سابقه آل سعود بود. به عنوان نمونه اوایل فروردین ۱۳۰۵، روزنامه اقدام گزارش مفصلی از تحرکات ابن سعود در حجاز به نقل از جریده نداء الشعب به چاپ رساند که خبر می‌داد «ابن سعود رؤسا و